

فهم اهداف و وظایف حکومت اسلامی جهت تحول در حکمرانی

علی‌رضا حاجی‌زاده^۱

چکیده

انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی از مراحل تمدن نوین اسلامی قرار دارد و نیازمند پژوهش در حوزه دولت اسلامی است. مسئله میزان ورود دولت در عرصه‌های مختلف، اندازه دولت، نقش دولت و هدفی که دولت به دنبال آن است مسئله‌ای می‌باشد که مورد سوال و بررسی جوامع علمی بوده است. با مشخص شدن اهداف حکومت‌ها، می‌توان در رابطه با وظیفه حکومت‌ها/دولت‌ها بحث کرد که از جمله مباحث مطرح در مباحث اداره امور عمومی و حکمرانی است، سپس بحث از این خواهد شد که دولت با این اوصاف از وظایف و اهداف چگونه باید وظایف خود را عملی کند (نقش دولت). بر این اساس می‌توان نقش دولت اسلامی را شناسایی کرد و مقایسه نمود که نظریه مدیریت دولتی اسلامی چه تفاوت‌هایی با نظریه‌های مثل مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین و بازآفرینی دولت و خدمات دولتی نوین که وظایف دولت را به ترتیب پاروزدن، سکان داری و خدمت کردن مطرح کرده‌اند دارد. لذا مقالات حوزه اهداف و وظایف حکومت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و نویسندگان در نهایت به این نتیجه رسیده که هدف غایی حکومت اسلامی، دستیابی به قرب الهی و نائل شدن انسان‌های آن جامعه به مقام خلیفه‌الله است. در این راستا آنچه که هدف میانی به حساب می‌آید، برقراری عدالت است که در سایه‌ی عدالت و اجرای کامل اسلام، هدف غایی حاصل خواهد شد. جهت دستیابی به هدف غایی و هدف‌های میانی از جمله عدالت و اجرای کامل اسلام، دولت وظیفه دارد در زمینه‌های مختلف مادی و معنوی وارد شود.

^۱ دانشجو کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و مدیریت دولتی و سیاستگذاری عمومی، دانشگاه امام صادق

کلیدواژگان وظایف دولت، اهداف دولت، اهداف حکومت، وظایف حکومت، حکومت اسلامی، دولت اسلامی، مدیریت دولتی اسلامی، اداره امور عمومی اسلامی، حکمرانی اسلامی.

مقدمه

مسئله حکومت از مهم ترین مسائل فلسفه سیاسی است. (همتی، ۱۳۹۸: ۱) [i] حکومت دینی، حکومتی است که در آن مدیریت خرد و کلان جامعه بر مبنای احکام، فرامین و ارزش های دینی انجام گردد. اهداف یک نظام، اموری کلی است که دستیابی به آن ها در آن نظام مطلوب است. (کمالی، ۱۳۹۶: ۱) [ii] اهداف حکومت ها که از غایت های بنیادین و فلسفی آن ها نشأت می گیرد، نظام های قانون گذاری و خط مشی های حکومتی را به صورت مستقیم جهت می دهد. بر این اساس هرچه عناوین و شیوه این اهداف در نظام حکومتی روشن و مورد توافق باشد، افزون بر نشان دادن تمایز و استقلال ماهوی آن از سایر حکومت ها بهتر می تواند راهنمای عمل دولت مردان و راهگشای الگوهای توسعه و پیشرفت در حکومت دینی باشد. (فوزی، کریمی بیرانوند، ۱۳۹۰: ۲) [iii]

بر اساس یک نگاه منطقی می توان ادعا کرد با مشخص شدن اهداف حکومت ها می توان در رابطه با وظیفه حکومت ها/ دولت ها^۱ بحث کرد که از جمله مباحث مطرح در مباحث اداره امور عمومی^۲ است. سپس بحث از این خواهد شد که دولت با این اوصاف از وظایف و اهداف چگونه باید وظایف خود را عملی کند (نقش دولت). همانطور که در جدول زیر مشاهده می فرمایید که نظریه های مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین و بازآفرینی دولت و خدمات دولتی نوین وظایف خود را به ترتیب پاروزدن، سکان داری و خدمت کردن مطرح کرده اند. (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۲۶۹) [iv]

جدول ۱ نظریه های اداره امور عمومی

^۱ در ادامه حکومت و دولت به یک معنا به کار گرفته شده و هر دو به معنای حکومت؛ مجموعه تمامی قوا و سازمان های ذیل قدرت سیاسی حاکم است.

^۲ Public administration

مدیریت دولتی سنتی	مدیریت دولتی نوین و بازآفرینی دولت	خدمات دولتی نوین
پاروزدن (تدوین و اجرای خط- مشی‌هایی که مبتنی بر اهداف سیاسی تعریف شده‌اند)	سکان‌داری (عمل به عنوان یک کاتالیزور و تسهیل‌کننده برای نیروهای بازار)	خدمت‌کردن (مذاکره و میانجی‌گری در مورد منافع شهروندان. گروه‌های جامعه، ایجاد ارزش‌های مشترک)

مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل از وظایف و نقش‌های سه‌گانه‌ی دولت نام می‌برد که عبارت‌اند از:

۱. حفظ و حراست اجتماع از قهر و حيله‌ی اجتماعات دیگر (نظم و امنیت)
۲. حمایت از هر عنصر اجتماع در برابر ظلم و زورگویی اعضای دیگر جامعه (استقرار عدالت)
۳. برپایی و نگهداری نهادهای اجتماعی و خدمات عمومی دارای منفعت اجتماعی (وظایف عمومی)

این نظریه بعدها موجب پی‌ریزی دولت‌های رفاه در شکل امروزی گردید که وظایف بیشتری را در تأمین آزادی و آسایش، توسعه و امنیت، مالکیت خصوصی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی افراد برعهده گرفتند. (نیلی پورطباطبایی، خزایی، فتاحی اردکانی، ۱۳۹۹) [۷]

از هنگام پیدایش علم اقتصاد توسعه، سیاست‌گذاری در کشورهای در حال توسعه را به سه دوره می‌توان تفکیک کرد:

۱) دوره دولت‌های بزرگ

۲) دوره دولت حداقل

۳) دوره حکمرانی خوب ((خیرخواهان، ۱۳۸۵) [۷] به نقل از (میدری، ۱۳۸۵: ۲۶۲) [vii])

دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال است. تجربه دوران رکود بزرگ ۱۹۲۹ اندیشه‌های کینز را بر اقتصاددانان و محافل سیاست‌گذاری حاکم ساخته بود. کینز درمان بیکاری و رکود را مداخله دولت در اقتصاد می‌دانست. نتیجه بلافصل آرا کینز در کشورهای در حال توسعه، دادن نقش محوری و گسترده به دولت بود. آرتور لوییسی اقتصاددان برنده نوبل برای گسترش بخش مدرن، دولت برنامه‌ریز را توصیه می‌کرد و مداخله دولت در سطوح مختلف از صنعت تا کلان و از سطح منطقه‌ای تا ملی را مجاز می‌دانست. میردال برنده دیگر نوبل که سیاست‌گذاری در سطح جهانی هم بود نسبت به بازار، به ویژه تجارت، بین الملل کاملاً بدبین بود و پذیرش و ورود به تقسیم بین المللی کار را موجب تشدید توسعه نیافتگی می‌دانست. راثول پریبش نیز همراه بسیاری از اقتصاددانان آمریکای لاتین - مانند کاردوسو که در دهه ۱۹۹۰ رئیس جمهور برزیل شد - همگی روند تجارت بین الملل را به زیان کشورهای در حال توسعه و مداخله دولت در تجارت بین الملل را اجتناب ناپذیر می‌دانستند. روزنشتاین رودن توسعه را به برخاستن هواپیما از زمین تشبیه می‌کرد که دولت باید سوخت لازم برای غلبه بر جاذبه زمین را فراهم آورد. با وجود همه اختلاف‌ها، یک نقطه مشترک وجود داشت: مداخله گسترده دولت برای دستیابی به توسعه اجتناب ناپذیر است؛ همه با چارچوب‌های نظری متفاوت در این نتیجه‌گیری وحدت نظر داشتند. دولت به لحاظ نظری مجاز و عملاً در تمام بازارها از بازار کالا گرفته تا بازار ارز و سرمایه و کار مداخله کند. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ داستان سیاست‌گذاری توسعه بر همین منوال گذشت. (Seers, Meier, ۱۳۶۸) [viii] به نقل از (میدری، ۱۳۸۵: ۲۶۳)

در پایان دهه هفتاد میلادی این الگوی فکری جای خود را به الگوی دولت حداقل داد. در الگوی جدید، راهکار توسعه، مداخله کمتر دولت در اقتصاد و واگذاری امور به ساز و کار قیمت‌ها و بازار جستجو می‌شد. این بار نیز آمریکا و انگلستان پیشگام تحول بودند. دولت ریگان و تاچر طراح دولت حداقل بودند، دو کشوری که پیشتر دولت مداخله‌گر و مبتکر دولت رفاه و ملی شدن صنایع بودند. این بار "دولت حداقل"، "حاکمیت قیمت‌ها و آزادسازی" و "خصوصی‌سازی" را راه نجات می‌دانست. محافل بین المللی اقتصادی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی نیز همزمان با این سیاست‌ها شعار پایان دوره دولت‌گرایی و آغاز دوران بازارگرایی را سردادند. کشورهای آمریکای لاتین از میان کشورهای در حال توسعه پیشگام بودند.

شیلی و آرژانتین در پایان دهه هفتاد خصوصی سازی و آزادسازی تمام عیار را اجرا کردند و کشورهای آفریقایی نیز از اوائل دهه ۱۹۸۰ این الگو را پذیرفتند. با فروپاشی بلوک شرقی، مجریان این الگو به یکباره افزایش یافتند. این کشورها می خواستند با خصوصی سازی و حذف سریع مداخلات دولت، بیش از نیم قرن خطای تاریخی خود را جبران کنند.

بنیان های نظری این الگوی نظری نیز شناخته شده بود، سنت فکری نئوکلاسیک، مکتب اتریشی و مانتریست ها و مکتب انتخاب عمومی همگی به نوعی مشکل مداخله دولت در اقتصاد را تئوریزه و استدلال های مختلفی را به طرفداری از نظام بازار ارائه می کردند. فون هایک مداخله دولت را دشمن دمکراسی می دانست. جمیز بوکانان نیز فرض دولت خیرخواه را که مداخلات اش رکود با توسعه نیافتگی را جبران می کند به زیر سوال برد و پیروان مکتب انتخاب عمومی نشان دادند که دولت ها حتی در دمکراتیک ترین کشورهای دنیا اسیر گروه های فشار و ذی نفوذ هستند. میلتون فرید من نیز تورم و رکود تورمی دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی را محصول مداخله دولت معرفی کرد. این سه اقتصاددان که هر سه برندگان نوبل بودند مبانی نظری دولت حداقل را بنا کردند و بسیاری از اقتصاددانان به بسط آرا آن ها پرداختند. از اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به رویکرد دولت حداقل شکل گرفت و از پایان آن دهه، رویکرد حکمرانی خوب مورد استقبال گسترده قرار گرفت. همان محافل بین المللی مروج دولت حداقل، به تدوین و ترویج نظریه حکمرانی خوب پرداختند اما نظریه پردازان اصلی آن اقتصاددانان دیگری از جمله داگلاس نورث، رونالد کوز و بیش از همه، ژوزف استگلیتز بودند که کم و بیش در مکتب نهادگرایی جای می گیرند و همگی برنده جایزه نوبل اقتصاد شدند.

بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان ملل از دریچه های مختلف به این نظریه پرداختند. برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت داری. بانک جهانی حکمرانی خوب را براساس شش ویژگی زیر تعریف می کند:

- صدا (اعلام) و پاسخگویی؛

- بی‌ثباتی سیاسی و خشونت؛

- اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله؛

- بار مالی مقررات: مقررات اضافی و هزینه‌های آن؛

- حاکمیت قانون؛

- فساد؛

در این تعریف هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب‌تر خواهد بود. (میدری، ۱۳۸۵)

به طور خلاصه، مسئله میزان ورود دولت در عرصه‌های مختلف، اندازه دولت، نقش دولت و هدفی که

انقلاب

نظام

دولت

جامعه

تمدن

دولت به دنبال آن است مسئله‌ای بوده است که مورد سوال و بررسی جوامع علمی بوده است. از طرف دیگر با توجه به قرار گرفتن انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، نیاز به تحقیق و پژوهش در زمینه دولت اسلامی هستیم تا این مرحله از مراحل دستیابی به تمدن اسلامی را سریع‌تر طی نماییم.

شکل ۱ مراحل تمدن اسلامی

با توجه به موارد ذکر شده، در این مقاله سعی شده است اهداف و وظایف دولت اسلامی و دینی مورد بررسی قرار بگیرد.

پیشینه تجربی

جهت بررسی مقالات انجام شده (پیشینه پژوهش) که از نظر موضوعی با این مقاله مشابهت دارد کلیدواژه‌های زیر در پایگاه اینترنتی نورمگز^۱ جست‌وجو شده و مقالات زیر مرتبط با پژوهش حاضر یافت شده است:

وظایف دولت، وظیفه دولت، اهداف دولت، هدف دولت، هدف حکومت، اهداف حکومت، وظیفه حکومت و وظایف حکومت

جدول ۲ پیشینه پژوهش

سال	عنوان	نویسنده	#
۱۳۷۱	فلسفه و اهداف حکومت اسلامی	جوادی آملی	۱
۱۳۷۶	اهداف و سیاست‌های کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	میرآقایی	۲
۱۳۸۰	اهداف و آرمان‌های حکومت	سروش محلاتی	۳
۱۳۸۴	اهداف حکومت از منظر قرآن	احمدی	۴
۱۳۸۴	فلسفه و اهداف حکومت اسلامی	اشراقی	۵
۱۳۸۷	اهداف و اصول حاکم بر حکومت اسلامی از منظر حاج آقا نور الله اصفهانی و امام خمینی قدس سره	ابوطالبی	۶
۱۳۸۷	جامع‌نگری در اهداف حکومت دینی	شاهدی	۷
۱۳۸۸	اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام	عظیمی شوشتری	۸
۱۳۸۹	اهداف حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه	کربلایی پازوکی و لطفی	۹

^۱ www.noormags.ir/

#	نویسنده	عنوان	سال
۱۰	فوزی و کریمی بیرانوند	تفاوت شناسی اهداف حکومت های سکولار و حکومت اسلامی	۱۳۸۹
۱۱	نیازی	اهداف و وظایف حکومت دینی	۱۳۸۹
۱۲	شبان نیا	حقوق بشر در پرتو اهداف حکومت اسلامی	۱۳۸۹
۱۳	جوادی آملی	فلسفه و اهداف حکومت اسلامی؛ درآمدی بر دولت اسلامی	۱۳۹۰
۱۴	فوزی و کریمی بیرانوند	اهداف حکومت اسلامی	۱۳۹۰
۱۵	موسوی	اهداف حکومت در نگاه امام علی علیه السلام	۱۳۹۰
۱۶	حمزه‌لو	اهداف و راهبردهای دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام	۱۳۹۱
۱۷	معینی (بهاء‌الدینی)	وظیفه حکومت اسلامی	۱۳۹۲
۱۸	شاه‌آبادی و زرین نعل	رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق اهداف حکومت اسلامی	۱۳۹۴
۱۹	کمالی	بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه	۱۳۹۶
۲۰	همتی	ضرورت، خاستگاه و اهداف حکومت در نهج البلاغه	۱۳۹۸
۲۱	نیلی پور طباطبایی، خزایی و فتاحی اردکانی	شناخت وظایف حاکمیتی دولت و اهمیت آن در تنظیم برنامه‌های راهبردی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها (بررسی چالش‌ها، راهکارها، تلاش‌های صورت گرفته در این خصوص)	۱۳۹۹

در باره اهداف و وظایف حکومت دینی مقاله‌های ارزشمندی به زیور چاپ آراسته شده است، از جمله: حضرت آیت‌الله جوادی آملی حفظه‌الله (۱۳۷۱) در مقاله «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی» بیان می‌دارند که لزوم تشکیل حکومت و اداره جامعه براساس قانون مدون از نظر صائب هیچ متفکری پوشیده نیست و گروهی که سود خود را در هرج و مرج جستجو می‌کنند و از نظم قانونی حاکم بر اجتماع، هراسنا کند و

تأسیس نظام قانونمند را لازم نمی دانند، از زمره صاحب نظران خارجند. هر حکومتی بر پایه مکتب خاص خویش اهدافی را بدنبال دارد که با اصول حاکم بر آن مکتب هماهنگ باشد. حکومت اسلامی نیز اهدافی دارد که با اصول روشمند خویش مناسب باشد. آنچه در این فرصت کوتاه ارائه می شود برخی از مقاصد و اهداف حکومت اسلامی است که از آنها بعنوان فلسفه حکومت اسلامی یاد می شود. [ix]

میرآقایی (۱۳۷۶) در مقاله «اهداف و سیاستهای کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» اهداف حکومت اسلامی را گسترش معنویت و اخلاق در جامعه، حمایت از محرومان و مستضعفان، تأمین رفاه عمومی و ... دانسته است. [x]

سروش محلاتی (۱۳۸۰) در مقاله «اهداف و آرمان های حکومت» این مقاله بر آن است که اهداف حکومت از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام را تبیین کند. و بر این اساس پاسخ به این سه پرسش را وظیفه خود می داند: ۱- امام علی چه اهدافی را برای حکومت خود یا حکومت اسلامی ترسیم می کند. ۲- امام علی در میان اهداف حکومت، کدام را مقدم می شمرد. ۳- امام علی آیا به اهداف حکومت خود دست یافت. در پاسخ سؤال اول می توان گفت که امام علی علیه السلام اجرای قانون خدا را هدف حکومت می داند. یعنی موازین الهی را برپا و شرع را پاس دارد. و در پاسخ سؤال دوم می توان گفت که امام علی ۷ نظم مقید را مقدم بر هر چیزی می داند. البته نه هر نظمی که به بقا ظالمان و ستمگران بیانجامد و هم چنین عدل مقدم بر دیگر ارزش های اجتماعی است و نیز ارزش های معنوی بر مصالح مادی مقدم است و در پاسخ سؤال سوم می توان گفت که فرصت کافی برای اعمال اصلاحات و عینی ساختن غایات مورد نظر در اختیار حضرت قرار نگرفت. اهداف حکومت نگاه امام علی علیه السلام را به اهداف حکومت، می توان ناظر به سه جنبه مختلف این موضوع دانست و براساس این ابعاد، بیانات حضرت را از هم تفکیک کرد. [xi]

احمدی (۱۳۸۴) در مقاله «اهداف حکومت از منظر قرآن» حکومت ضروری ترین شرط تحقق زندگی اجتماعی بشر است. در این رستا بررسی اولویت ها و اهدافی که حکومت و کارگزاران حکومتی باید برگزینند از دیدگاه قرآن، هم ضرورتی است دینی و هم ضرورتی سیاسی، پژوهش حاضر تلاشی است در راه دست یابی به اساسی ترین اهدافی که قرآن برای حکومت دینی بر می شمرد و با توجه به موضوع تحقیق تلاش شده است تا از آرای اندیشمندان دینی و مفسران قرآنی در حد توان استفاده گردد. [xii]

اشراقی (۱۳۸۴) در مقاله «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی» معتقد است که حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی و قرآنی، جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت محققان و پژوهشگران این است که زمینه‌های تحقق این حکومت را عینیت بخشند و شرایطی را به وجود آورند که در آن، انسان با ارزشهای والا و جهان‌شمول قرآنی پرورش یابد. نگارنده کوشید با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر متکبران است و زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور بویژه در گسترش روابط بین‌الملل، با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی فراهم می‌کند را در سایه آیات قرآنی، برای تشکیل امت واحده جهانی بیان کند. (این هده أمتکم أمة واحدة و أنا ربکم فاعبدون) تا استمرار مبارزه در نجات ملت‌های محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این تحقیق، خط سیر مقاله، تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان، تلاش می‌کند. (و یضع عنهم إصرهم و الأغلال الی الی کانت علیهم). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است، بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (أن الأرض یرثها عبادی الصالحون) و قانون‌گذاری که روشن‌کننده ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین، نظارت دقیق و جدی از ناحیه صاحب‌نظران و اهل قلم، امری ضروری است و چون هدف از حکومت اسلامی، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه انسانها فراهم آید (تخلقوا بأخلاق الله)، جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با این رویکرد، می‌توان گفت این همان تحقق حکومت مستضعفان در زمین خواهد بود. (و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمة

ابوطالبی (۱۳۸۷) در مقاله «اهداف و اصول حاکم بر حکومت اسلامی از منظر حاج آقا نورالله اصفهانی و امام خمینی قدس سره» بیان داشته است که یکی از نکات بسیار مهمی که مورد توجه تحلیلگران بحث انقلاب اسلامی قرار گرفته، بحث رهبری امام خمینی قدس سره می‌باشد. بسیاری از این تحلیلگران به دلیل وجود مشکلات مبنایی و معرفتی نسبت به مبانی این حرکت و فهم ناقص از آن، با ادعای مبهم بودن و آرمانی بودن طرح حکومت اسلامی که به عنوان غایت انقلاب مطرح می‌شد، آن را یک حرکت پوپولیستی دانسته‌اند. نویسنده در این مقاله با بررسی تطبیقی اهداف حکومت اسلامی و اصول حاکم بر آن از منظر امام خمینی قدس سره و مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی که دارای اثر مکتوب و سابقه اقدامات عملی فراوانی در این زمینه است، نشان داده که طرح حکومت اسلامی نه تنها بحث جدید و مبهمی نیست، بلکه امری است که دارای سابقه نظری و در موارد بسیاری دارای سابقه عملی نیز بوده است؛ از این رو، با ادعاهای مزبور نمی‌توان شعور موجود در این حرکت و پشتوانه فکری و اعتقادی چند صدساله آن را نادیده گرفت. [xiv]

شاهدی (۱۳۸۷) «جامع‌نگری در اهداف حکومت دینی» در این مقاله پس از بررسی دیدگاه‌های مادیگرا، معناگرا و جامع‌نگر، دیدگاه جامع‌نگر به عنوان دیدگاه قابل دفاع، پذیرفته شده و با روش درون‌دینی یعنی مراجعه به آیات و روایات و از طریق بررسی اهداف بعثت انبیاء که اهداف حکومت دینی نیز به شمار می‌رود مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام ثابت گردیده که حکومت دینی در پی دو دسته اهداف است:

۱. تأمین کمال مادی. ۲. تأمین کمال معنوی. برای حکومت دینی هر دو دسته، از اهداف اصلی‌اند (فرعی نیستند) به این صورت که هدف دوم هدف نهایی است و هدف نخست، مقدمه رسیدن به هدف نهایی (هدف دوم) است لذا به عنوان هدف اصلی مورد توجه حکومت دینی قرار می‌گیرد. در پایان مطالعه خود اهداف حکومت دینی را به دو دسته عام و خاص تقسیم‌بندی نمود. به عقیده وی اهداف عام از قبیل امنیت، قدرت، توسعه اجتماعی، رفاه، آموزش، آزادی، رضایت مردم و... مقدمه واجب جهت دستیابی به اهداف خاص همچون تأمین کمال معنوی و سعادت اخروی، اجرای ارزشهای اخلاقی، تهذیب نفس و... است. به عبارتی ایشان نیل به اهداف خاص را حد مطلوب جامعه اسلامی قلمداد کرد.

عظیمی شوشتری (۱۳۸۸) در مقاله «اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام» بیان کرده است که مکتب حیات بخش اسلام، بر اساس جهان بینی و نگاهی که به انسان و جهان دارد، برای نظام سیاسی و حاکمان جامعه، اهداف و وظایفی در نظر گرفته است، تا بدین سان، نظام سیاسی مورد نظر اسلام، جامعه را به سمت آرمان های مطلوب هدایت کند. پرسش اصلی این مقاله این است که «اهداف و وظایف دولت اسلامی کدام اند؟» این مقاله با روشی توصیفی و با هدف تبیین اهداف و وظایف دولت اسلامی، درصدد است تا زاویه نگاه اسلام اصیل در زمینه اهداف و وظایف یک دولت را در قبال جامعه روشن کند. حاصل این مقاله اینکه، هدف اساسی اسلام تکامل همه جانبه انسان در ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است و این کمال بدون تحقق عدالت و رهبری صالح در جامعه امکان پذیر نیست. کمال انسانی اولین و مهم ترین هدف حکومت را تشکیل می دهد و ساختن جامعه ای که در آن فضایل اخلاقی و انسانی، زیربنای روابط افراد را تشکیل دهد، وظیفه مهم این حکومت را تشکیل می دهد. عدالت و استقرار آن، هدف متعالی دیگر حکومت اسلامی است. رمز حرکت رو به رشد و تکامل جامعه، در گرو استقرار عدالت است و حکومتی می تواند جامعه را به سمت کمال حرکت دهد که خود عادل باشد. استقرار عدالت نیز بسته به ایجاد زمینه های رشد فضایل در جامعه و تربیت جامعه است. دولت اسلامی، با توجه به این هدف متعالی، مکلف به وضع قوانین عادلانه و اجرای دقیق عدالت است. آزادی در هر دو بعد تکوینی (اختیار) و تشریحی آن مورد توجه است. تضمین و استقرار آزادی، به گونه ای که انسان ها موفق به انتخابی صحیح و بهره برداری از آزادی های مشروع شوند، از وظایف دولت اسلامی است. بنابراین اختناق را، هم در شکل به کارگیری قدرت سخت و هم در قالب استفاده از قدرت نرم، رد می کند. جامعه اسلامی جامعه ای است که در آن، هم در بعد داخلی و هم از جهت خارجی، امنیت برقرار است؛ زیرا امنیت است که امکان اجرای صحیح قوانین و مقررات را فراهم می آورد و روابط انسانی را بر اساس عدالت و فضایل اخلاقی شکل می دهد. کمال اجتماعی انسان از بعد مادی نیز مورد توجه است و این چیزی است که به آن «توسعه» می گویند. در جامعه توسعه یافته از نظر اسلام، در کنار رشد معنوی و فضایل اخلاقی، شاهد برخورداری مردم از رفاه و بهره مندی از نعمت های الهی متناسب با شأن انسان

کربلایی و لطفی (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه» نظام های سیاسی مختلف افزون بر تامین امنیت و برقراری نظم، اهداف متفاوتی را برای حکومت بیان میکنند. بعضی عدالت اقتصادی، برخی توسعه سیاسی و بعضی توسعه اقتصادی و دولت حداقلی را پیشنهاد می-دهند. مشخصه مهم این نظام‌ها محدود کردن وظیفه حاکمیت در تامین نیازهای اولیه انسان نظیر مسکن، غذا، بهداشت و تامین حقوق مادی شهروندان است؛ اما رسیدگی به امور اخلاقی، معنوی و دینی را خارج از اهداف حکومت ذکر کرده‌اند؛ این نوشتار در مورد مهم‌ترین اهداف میانی حکومت اسلامی یعنی عدالت اجتماعی، آزادی اجتماعی، توسعه اقتصادی و تربیت اخلاقی، فرهنگی و معنوی از منظر نهج البلاغه می‌پردازد که در صورت تحقق این اهداف، جامعه در جهت رسیدن به هدف اصلی که قرب الهی و تکامل انسانی است حرکت خواهد کرد. به طور خلاصه افزون بر اهداف دنیوی و برقراری عدالت و توسعه در حوزه‌های مختلف، غایات اخروی و سعادت ابدی و تامین نیازهای معنوی بسان نیازهای مادی در حوزه آرمان‌های حکومت اسلامی قرار دارد. اهداف حکومت اسلامی را از منظر نهج البلاغه بررسی کرده‌اند. در این مقاله سعی بر نشان دادن این مطلب است که تحقق اهداف میانی حکومت اسلامی همچون عدالت و آزادی اجتماعی منجر به تحقق هدف اصلی حکومت اسلامی که همان تقرب الهی است، می‌گردد. آن‌ها بیان می‌دارند پیاده‌سازی این اهداف، یک جامعه ایده‌آل اسلامی را تحقق می‌بخشد که در آن مردم در سعادت همراه با بندگی خدا زندگی می‌کنند. بر طبق نتایج آن‌ها حکومت اسلامی رسالت خود را محدود به تأمین نیازهای مادی انسان‌ها نمی‌داند بلکه بر این باور است که بدون تربیت اخلاقی، فرهنگی و بازسازی معنوی آسایش واقعی مادی هم امکان‌پذیر نیست. [xvii]

شبان‌نیا (۱۳۸۹) پژوهشی با موضوع «حقوق بشر در پرتو اهداف حکومت اسلامی» را در دستور کار خود قرار داد. او در این مطالعه اهدافی از جمله دفاع از جان، مال و آبروی افراد، تأمین نظم و امنیت، رفاه و آسایش شهروندان و... را به عنوان مقدمه جهت نیل به هدف غایی حکومت اسلامی برشمرده است. همچنین فراهم نمودن زمینه برخورداری انسان‌ها از حق هدایت، حاکمیت توحید و برجیده شدن طاغوت، به اجرا درآوردن کامل احکام اسلامی، تعلیم و تربیت بر اساس بینش الهی و... را به عنوان اهدافی به منظور بسترسازی برای دستیابی به اهداف عالی حکومت معرفی کرد و در نهایت هدف عالی حکومت اسلامی را نیل انسان به تعالی و کمال معنوی خویش و دستیابی به مقام قرب الهی قلمداد کرد. [xviii]

جدول ۳ مقاله شبان‌نیا

غایی	تعالی و کمال معنوی انسان و دستیابی به مقام قرب الهی
۱	فراهم نمودن زمینه بهره‌مندی انسان‌ها از حق هدایت
۲	حاکمیت توحید و برجیده شدن طاغوت
۳	اجرای کامل احکام اسلامی
۴	ایجاد محیط پاک و معنوی
میان‌ی	۵ اقامه شعائر اسلامی
۶	تعلیم و تربیت براساس بینش الهی
۷	تحقق و گسترش قسط و عدالت براساس موازین الهی
۸	برقراری مساوات و برابری در چارچوب شریعت اسلامی
۹	نهادینه ساختن (حمایت از) کرامت انسانی
۱	دفاع از جان، مال و آبروی افراد
۲	تأمین نظم، امنیت، رفاه و آسایش شهروندان
۳	حمایت از محرومان جامعه
مقدم‌ی	۴ تأمین و احیای آزادی‌های مشروع
۵	حمایت از حریم خانواده (حمایت از تشکیل خانواده قدرتمند)
۶	گسترش سلامت و بهداشت (ایجاد محیط سالم زیستی)

احمد علی نیازی (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و وظایف حکومت دینی» به مهم‌ترین دیدگاه‌های فیلسوفان مدرن و کلاسیک در باب اهداف حکومت اشاره می‌کند و به بیان تمایز حکومت دینی با حکومت‌های غیردینی پرداخته و عدالت خواهی، هدایت و تربیت جامعه برای نیل به سعادت و خیر حقیقی و ملاحظه مصالح اخروی را به عنوان شاخصه‌های اصلی حکومت دینی برشمرده است. وی اینگونه نوشته است که بحث اهداف حکومت از مباحث مهم فلسفه سیاسی است. در این نوشتار، پس از تعیین مفهوم حکومت

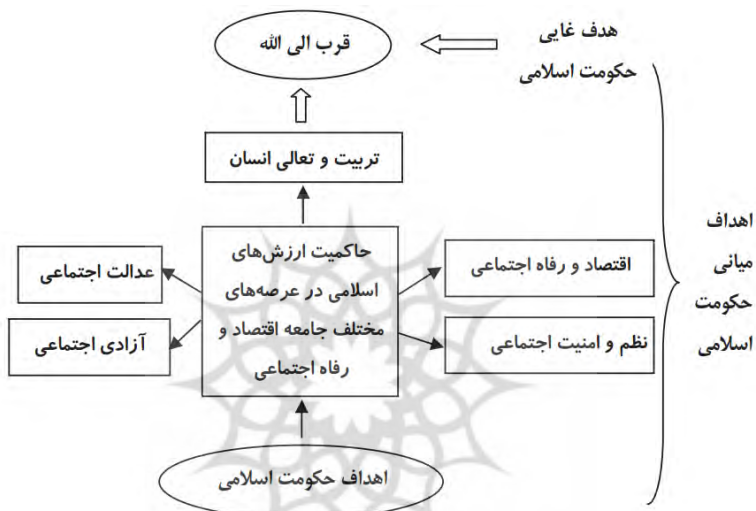
دینی، به مهم‌ترین دیدگاه‌ها در باب اهداف حکومت، اشاره شده است. برخلاف نظریه فیلسوفان مدرن، که وظیفه حکومت را ایجاد نظم و حد اکثر تأمین رفاه مادی مردم می‌دانند، فیلسوفان کلاسیک معتقدند که حکومت علاوه بر تأمین امنیت و عدالت، وظیفه تربیت مردم و هدایت آنان به سوی خیر و سعادت و زمینه‌سازی برای اکتساب فضایل انسانی را نیز به عهده دارند. تفاوت مهم حکومت دینی با حکومت‌های غیر دینی آن است که حکومت دینی، افزون بر تأمین نیازهای مادی، بر توزیع عادلانه امکانات تأکید می‌ورزد و به لحاظ توجه به فطرت و حقیقت انسان ارزش مدار است. از این رو، عدالت خواهی، هدایت و تربیت جامعه برای نیل به سعادت و خیر حقیقی و ملاحظه مصالح اخروی، از شاخصه‌های اصلی حکومت دینی است. [xix]

فوزی و کریمی (۱۳۸۹) در مقاله «تفاوت شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی» به تبیین و بیان تفاوت‌های بین اهداف حکومت‌های فوق پرداخته و در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که این حکومت‌ها در اهداف چه تفاوت‌های صوری و ماهوی با یکدیگر دارند؟ در پی تشخیص و تبیین تفاوت‌های بین اهداف حکومت‌های سکولار با حکومت اسلامی با سه رویکرد توصیفی، تعلیلی و تفسیری است. نویسنده تلاش می‌کند تا این فرضیه را اثبات کند که این دو نوع حکومت علی‌رغم اشتراکات ظاهری در اهداف، نه تنها اهداف اختصاصی دارند، بلکه در زمینه تفسیر، تعبیر و تنقیح اهداف مشترک نیز دارای اختلافات مهمی می‌باشند که ریشه در ساختارهای اندیشه‌ای و انگیزه‌ای فرهنگ و تمدن حاکم بر آن‌ها دارد. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که حکومت اسلامی اگر واقعا اسلامی باشد با حکومت‌های سکولار در تمام سطوح اهداف حکومتی از عناوین گرفته تا تفاسیل و تفاسیر آن‌ها دارای اختلاف‌های مهمی هستند. [xx]

حضرت آیت‌الله جوادی آملی حفظه‌الله (۱۳۹۰) در یادداشت «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی؛ درآمدی بر دولت اسلامی» مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی را خلیفه خدا شدن انسان‌ها و تشکیل مدینه فاضله می‌دانند. [xxi]

سیدصمد موسوی (۱۳۹۰) در مقاله «اهداف حکومت در نگاه امام علی علیه‌السلام» در نهایت بیان کرده است که حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام در حکومت خود اهداف مقدسی را دنبال می‌کرده که مهم‌ترین آن‌ها احیاء و اقامه حق و دفع باطل و تحقق عدالت می‌باشد. [xxii]

یحیی فوزی و مسعود کریمی (۱۳۹۰) در مقاله «اهداف حکومت اسلامی» با استفاده از آیات و روایات اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه و به تبیین اهداف کلان حکومت اسلامی و بیان منشأ اهداف حکومت دینی و وجه تمایز حکومت دینی با سایر حکومت ها پرداخته اند. وی با تشریح منشأ اهداف حکومت دینی، آنها را به دو سطح اهداف بلندمدت یا غایی و اهداف متوسط یا میانی تقسیم کرده و به بررسی هریک از آنها می پردازد. از منظر ایشان اهداف میانی حکومت دینی از یک سو عبارتند از نظم و امنیت، اقتصاد و رفاه، عدالت و آزادی و از سوی دیگر، اجرای احکام و شریعت اسلام و برقراری شعائر



دین و تربیت دینی در جهت دستیابی به هدف غایی، یعنی بسترسازی و هدایتگری در صحنه های جامعه برای تقرب اختیاری افراد و جامعه به خداوند از طریق عبودیت و معرفت الله که از سوی شرع و اراده الهی تعیین شده و توسط حکومت دینی که نماینده مردم است، پیگیری می شوند. اجرای شریعت در واقع اجرای رهنمودهای دین در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که نتیجه ی آن، نظم و امنیت، عدالت، آزادی، رفاه و تربیت و انسان سازی و شعائر دینی در جامعه است.

شکل ۲ مقاله فوزی و کریمی

بنابراین، این هدف، هم عرض اهداف دیگر نیست، بلکه روح اهداف دیگر است. در واقع باید گفت هدف متوسط حکومت دینی، اجرای شریعت است که این هدف درون تلاش برای اهداف متوسط دیگر، مستتر است و تلاش برای اهدافی همچون امنیت و رفاه و عدالت نمی تواند بدون توجه به آموزه های شریعت

انجام گیرد. او در آخر نتیجه می‌گیرد که هرچند اهداف حکومت دینی در مقام نظر از یکدیگر جدا هستند ولی در مقام عمل ارتباط ناگسستنی با هم دارند و باید همه را با هم رقم زد. این بحث می‌تواند علاوه بر نشان دادن تمایز و استقلال ماهوی حکومت دینی از سایر حکومت‌ها، راهنمای عمل دولتمردان و راهگشای الگوهای توسعه و پیشرفت در حکومت دینی باشد.

علی حمزه‌لو (۱۳۹۱) در یادداشت «اهداف و راهبردهای دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام» به این نتیجه رسیده است که ۱- نگاه توحیدی امام علی (ع) به سیاست در مقابل دیدگاه‌های دنیامداران با توجه به آرمان‌ها و مقاصد عالی‌ه انسان متبلور گردیده و با هدف اعلا‌ی خلقت انسان در عرصه حیات اجتماعی با حرکت به سوی خالق مورد توجه قرار گرفته است. ۲- لوازم و شرایط ضروری هدایت حقیقی انسان و خلافت الهی وجود محیط و شرایط مساعد اجتماعی برای رشد و تعالی است و حکومت، به دلیل نقش اساسی در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه جایگاه برجسته و مهمی دارد. ۳- دولت اسلامی دارای سه وجه اقامه حق، ارزش‌ها و احکام اسلام، اصلاح و آبادانی شهرها، و دفع باطل و جهاد با دشمنان است و دولت اسلامی مورد تأکید امیرالمومنین جامع اهداف فوق است. ۴- راهبردها و جهت‌گیری‌های اساسی برای دستیابی به این اهداف را می‌توان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داد. [xxiii]

ابوالفضل شاه‌آبادی و زینب زرین‌نعل نیز (۱۳۹۴) در مقاله «رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق اهداف حکومتی» با توجه به سیره حکومتی امام علی تلاش نموده‌اند تا اصول مدیریتی آن حضرت را تبیین نمایند. ایشان احیای عدالت، تعلیم و تربیت، آزادی و استقلال و بهبود وضع معیشتی مردم و قرب الهی را به عنوان اهداف حکومت امام علی دانسته و برای رسیدن به این اهداف رعایت اصولی چون انتخاب مسئولان و کارگزاران، مشورت در امور مردمی بودن اهداف و حمایت از مردم، اخلاق اسلامی، پاداش و تنبیه، تقسیم کار، رعایت اعتدال و عدالت، علم و شناخت و آگاهی نسبت به امور و در نهایت کنترل و نظارت می‌تواند به تحقق اهداف حکومت بیانجامد. [xxiv]

علیرضا کمالی (۱۳۹۶) در مقاله با عنوان «بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه» بر بیانات امام علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه متمرکز شده و با بیان اینکه در یک نگاه اهداف حکومت از

تعلیم و تربیت، امور مالی و بیت‌المال، تجارت، صنعت، زراعت، نیروی نظامی و انتظامی و اطلاعاتی در حکومت دینی ضرورت دارد.

علی‌رغم تلاش‌های علمی انجام یافته تاکنون پژوهشی جامع و متمرکز بر چیستی ابعاد مختلف اهداف و وظایف حکومت دینی و اسلامی با استفاده از آیات و روایات نگارش نیافته است.

روش پژوهش

فرامطالعه

در این پژوهش، داده‌ها با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. راهبرد اصلی پژوهش حاضر فرامطالعه^۱ است. فرامطالعه یکی از روش‌های ذیل مفهوم عام فراترکیب است که به منظور بررسی و ترکیب و آسیب-شناسی تحقیقات گذشته توسط پیترسون^۲ و همکاران معرفی شده است. فراترکیب عنوان عامی برای توصیف مجموعه‌ای رویکردهای روشی است که به‌طور سیستمی یافته‌های یکپارچه‌ی تفسیری ایجاد می‌کند که خود، حاصل ترکیب داده‌های تفسیری است. فرامطالعه یک تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای تحقیقاتی انجام‌شده در یک حوزه‌ی خاص است که رهنمودهایی در نمونه‌گیری، ارزیابی و ترکیب را داراست. فرامطالعه ابزاری برای بحث در زمینه‌ی مشکلات هر رشته‌ی علمی است که می‌تواند به سه روش یا الگو پیاده‌سازی شود. این سه روش عبارت‌اند از: فراتحلیل داده‌ها (تحلیل یافته‌ها)، فراروش (تحلیل روش‌ها) و فرانظریه (تحلیل نظریه‌ها). در سال‌های گذشته بیشتر از فراتحلیل نام برده شده است؛ ولی باید گفت که فرامطالعه با واژه‌هایی همچون فراتحلیل، فراستز، فرانظریه و فراروش متفاوت است. فرامطالعه، کلیه‌ی این مفاهیم را در بر می‌گیرد. فراتحلیل که عمدتاً در چند سال گذشته به‌کرات از آن استفاده شده، فرامطالعه‌ی کمی است که فقط روی نتایج تحقیقات گذشته انجام می‌شود؛ این در حالی است که فرامطالعه می‌تواند به‌صورت کیفی و روی مفاهیم مورد استفاده در مطالعات گذشته انجام

^۱ Meta-study

^۲ Paterson

گیرد که در این صورت به نام فراسنتز یا فراترکیب شناخته می‌شود. (چیت‌سازیان، محمدی ۱۳۹۸: ۲۹)

[xxv]

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد و با نظام‌های سه‌گانه انسانی هماهنگ است، همانا دو چیز است: اول انسان‌ها را به سمت «خلیفة الله» شدن راهنمایی و مقدمات سیر و سلوک آن را فراهم کردن. دوم: کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا نمودن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن می‌باشد. اصالت در بین دو رکن یادشده همانا از آن خلافت الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ج))

هدف اصلی و اولیه خداوند از خلقت هستی، نیل انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و نیل انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای نیل به این هدف غایی ذاتی فراهم می‌سازند. براساس آیه شریفه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» «و من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند)»، (سوره مبارکه ذاریات، آیه شریفه ۵۶) حکومت اسلامی موظف است در راستای تحقق پرستش خداوند تمام تلاش خود را به کار برد، چرا که هدف از آفرینش عالم، تحقق همین امر و در نتیجه، نیل به تعالی و کمال نهایی است. هدف مطلق و نهایی دین، نورانی شدن انسان‌ها و رسیدن آنان به شهود، لقاءالله و دارالقرار است و از این رو، قیام مردم به قسط و عدل و حتی عبادات، همگی اهداف نسبی و متوسط دین است. مسائل عبادی و سیاسی، و سالی برای رسیدن فرد و جامعه به آن هدف نهایی است و همگی صراط و راهنند، و راه هیچ‌گاه نمی‌تواند هدف نهایی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹ (ب): ۳۳۳ [xxvi] به نقل از (شبان‌نیا، ۱۳۸۹))

به نقل از حضرت آیه‌الله بهاءالدینی قدس سره الشریف در کتاب نردبان آسمان که مجموعه‌ای از درس‌های اخلاق ایشان هست، وظیفه حکومت اسلامی را سوق دادن مردم به سوی ماوراء طبیعت و دوری از نشئه حس دانسته است. سپس بیان شده، وظیفه مهم حکومت اسلامی بسط توحید و معارف غیبی و انسان-سازی است. کار انبیاء و سیاسیون الهی، اداره‌ی جامعه و سوق دادن مردم به سوی توحید است؛ بسط

زندگی و تفسیر جهان و انسان بر مبنای توحید است. انبیا علیهم السلام تهذیب و سازندگی را از خود شروع می‌کردند، آنگاه به محیط خانواده می‌پرداختند و سپس به جامعه روی می‌آوردند و درصدد تهذیب و تطهیر و تربیت جامعه بر می‌آمدند. انبیا و اولیای الهی، در اثر تهذیب و ریاضت نفس، چون خورشید تابان می‌درخشیدند و اطراف خود را روشن و نورانی می‌کردند و هرکس مستعد بود، بر اثر نورانیت شمس نبوت و قمر ولایت، هدایت می‌یافت. روش تربیتی انبیا عملی بود؛ نه حرفی. حرکات و سکنات و اعمال انبیا علیهم السلام، همه تعلیم و هدایت است. انبیا و اولیا علیهم السلام به عنوان ابزار و طریقت می‌نگریستند، نه به عنوان موضوعیت. انبیا علیهم السلام دنیا را به صورت منفی طرد نمی‌کردند، لکن انعمار و فرورفتن در دنیا، موضوعیت برای آن قائل شدن را رد می‌کردند. رجل الهی دنیا را در خدمت دین به کار می‌گیرد و کسانی را که بر اساس وهم و مادیت زندگی می‌کنند، دین را به خدمت دنیا می‌گیرند. ((اسدی، ۱۳۹۲: ۲۵۴) [xxvii] به نقل از (معینی، ۱۳۹۲) [xxviii])

اساسی‌ترین نقطه افتراق حکومت‌های دینی و غیر دینی در همین هدف غایی نهفته است. در نظام‌های دموکراتیک غربی، در بهترین وضعیت خود، اهدافی مادی، هدف غایی حکومت در نظر گرفته می‌شود و تأمین نیازمندی‌های دنیوی شهروندان و سعادت ایشان در این راستا، در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد، اما در حکومت اسلامی به مصالح مادی و معنوی انسان‌ها، توأمان توجه می‌شود. ((یعقوب، ۱۳۷۴: ۲۵۰) [xxix] به نقل از (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)) و حتی از این بالاتر، در نظام اسلامی، ابعاد روحانی، معنوی و اخروی در مقایسه با ابعاد مادی و دنیوی، اولویت دارند. ((خراسانی، ۱۳۹۰: ۵۵۷) [xxx] به نقل از (شبان‌نیا، ۱۳۸۹))

تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی به عنوان تکلیف الهی، محوری‌ترین نقش را در خاستگاه و اهداف حاکمیت علوی دارد. (همتی، ۱۳۹۸: ۱) آشکار کردن حقیقت و نشانه‌های دین، ایجاد عدالت و امنیت و اصلاح شهرها و اجرای احکام الهی از اهداف اصلی حکومت علوی است. (همتی، ۱۳۹۸: ۱۲)

هدف اساسی در حکومت دینی، هدایت مردم در امور دین و دنیای آن‌ها است، از این رو رهبر باید نسبت به اصلاح دین و دنیای مردم بکوشد. بر این اساس تمام فرامین، اعمال و رفتار حاکم اسلامی در جامعه بایستی متضمن حفظ این دو مهم؛ یعنی پیشرفت دین و رفاه دنیوی ملت باشد. بی تردید این دو نیز مانند دو بال برای پرواز است و تقویت یکی بدون دیگری جامعه را از مسیر الهی خارج می‌سازد. تقویت

دین بدون توجه به رشد دنیوی و تقویت دنیا بدون رشد دین در جامعه، نتیجه‌ای جز تباهی دین و دنیا به دنبال نخواهد داشت و جامعه‌ای که مانند جسم بی‌روح و یا روان بی‌جسم است، از ادامه حیات باز می‌ماند. ((غضنفری، ۱۳۷۹: ۹۰) [xxxi] به نقل از (کمالی، ۱۳۹۶: ۱۵))

در مقالات مرور شده، علاوه بر اهداف و وظایف اشاره شده در بالا، به موارد زیر اشاره داشته‌اند:

فراهم نمودن زمینه بهره‌مندی انسان‌ها از حق هدایت

به منظور رشد و تعالی انسان، اولین و مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی در پیش‌رو دارد، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری انسان‌ها از اساسی‌ترین حق خود، یعنی حق هدایت است. بر این اساس، اولین حقی که انسان در برابر انسان‌های دیگر پیدا می‌کند این است که کسی مانع تحقق عبودیت خداوند در روی زمین نشود. و اولین گام در مسیر عبودیت خداوند، راهیابی به سمت هدایت صحیح است. (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)

اجرای احکام اسلامی

حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در کتاب ولایت فقیه خود بعد از ذکر حدیثی از امام رضا علیه السلام - که در بخش بررسی احادیث در ادامه آمده است - که دلیلی بر وظیفه‌ی حکومت اسلامی جهت اجرای احکام اسلامی است، می‌فرماید: باز از جمله آن علل و دلایل، یکی این است که اگر برای آنان امام برپانگه دارنده نظم و قانون، خدمتگزار امین و نگاهبان پاسدار و امانت‌داری تعیین نکند، دین به کهنگی و فرسودگی دچار خواهد شد و آیین از میان خواهد رفت و سنن و احکام اسلامی دگرگونه و وارونه خواهد گشت و بدعت‌گذاران چیزها در دین خواهند افزود و ملحدان و بی‌دینان چیزها از آن خواهند کاست و آن را برای مسلمانان به گونه‌ای دیگر جلوه خواهند داد، زیرا می‌بینیم که مردم ناقصند و نیازمند کمالند و ناکاملند. بنابر این، هرگاه کسی را که برپانگه‌دارنده نظم و قانون باشد و پاسدار آنچه پیامبر آورده بر مردم نگماشته بود به چنان صورتی که شرح دادیم، فاسد می‌شدند و نظامات و قوانین و سنن و احکام اسلام دگرگونه می‌شد و عهدها و سوگندها دگرگون می‌گشت. و این تغییر سبب فساد همگی مردمان و بشریت به تمامی است. (خمینی، ۱۳۹۱: ۴۰) [xxxii]

احکام شریعت، احکامی است که مبتنی بر تامین مصالح و نیازهای واقعی بشر می‌باشد، فلذا احکام شریعت مبین اهدافی است که می‌تواند مصالح و نیازهای دنیوی و اخروی بشر را تامین کند. این موضوع

می‌تواند از یک سو اهداف مشترکی را با بقیه نظام‌های سیاسی (غیر اسلامی) در جهت رفع نیازهای مشترک بشر همچون تامین امنیت، رفاه، آزادی و عدالت موجب شود و از سوی دیگر با یک نوع کلان‌نگری، رفع این نیازها را زمینه‌ساز نیازهای مهم‌تر بشر، یعنی نیاز به تکامل روحی و فطری بشر بداند. ((فوزی، کریمی‌بیرانوند، ۱۳۹۰(ب)) برگرفته از (موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف، ۱۳۸۴) [xxxiii]

اقامه شعائر اسلامی

حکومت اسلامی موظف است در راستای فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای رشد و تکامل معنوی افراد، شعائر دینی را در جامعه احیا و اقامه کند و جلوه‌های گوناگون و متنوع تعظیم شعائر دینی را به نمایش گذارد. تعظیم و اقامه شعائر اسلامی، نه فقط وظیفه مردم، بلکه از اموری است که اساساً توسط حکومت امکان تحقق کامل دارد. از جمله می‌توان به احادیث مربوط به وظیفه اجبار مردم از طرف والی به حج - که در بخش بررسی احادیث در ادامه آمده است - و فتوای فقهای شیعه اشاره کرد. (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)

تعلیم و تربیت براساس بینش الهی

اسلام خواهان آن است که انسان خود را به گونه‌ای اسلامی بسازد، به همین جهت متولی تربیت این انسان می‌گردد و قبل از هر چیز، شکل دادن محتوای داخلی و روحی او را مطابق با مفهوم انسان هدف قرار می‌دهد، در حالی که نظام سرمایه‌داری از این وظیفه اساسی تهی است و انسان را به خود وامی‌گذارد تا خود، خود را بسازد. ((صدر، ۱۴۲۱ق: ۳۳۹) [xxxiv] به نقل از (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)) مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگ جهالت‌زدایی و ضلالت‌روبی است تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم و کتاب و حکمت جایگزین آن گردد و با برطرف گشتن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی، تزکیه و تهذیب روح، جانشین شود. ((جوادی‌آملی، ۱۳۷۹(ب): ۱۰۶) به نقل از (شبان‌نیا، ۱۳۸۹))

اهتمام به تبیین و تفسیر توحید و معارف قرآنی

توحید قرآنی و معرفی خداوند آنگونه که در قرآن آمده، یکی از بزرگترین حق‌هایی بود که امام [علی علیه السلام] در دوران خلافت [به زنده کردن آن اهتمام ورزید. براهین متعدد بر اثبات خداوند، تفسیر یکتایی ذات به وحدت حقه و نه وحدت عددی، اتحاد ذات و صفات، رد صفات زائد بر ذات، عدل الهی، سنن تکوین الهی، عنایت الهی به هدایت انسان‌ها، سنن الهی در تشریعیات، قضا و قدر و اهداف رسالت و عقبه‌های

معاد و ده‌ها بحث دیگر که در کتب مختلف آورده شده است، نتیجه خطبه‌های است که امام در دوران حاکمیت سیاسی ایراد فرموده‌اند که به اعتراف صاحب‌نظران، بالاتر از آن ممکن نیست ((صافی- گلپایگانی، ۱۳۶۱: ۲۱) [xxxv] به نقل از (همتی، ۱۳۹۸: ۱۲))

احیای سنت پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

امام با بدعت‌های دینی که در زمان خلیفه دوم بوجود آمده و در زمان خلیفه سوم تثبیت شده بود به سختی مبارزه کرد. ((عبدالمقصود، (بی تا): ۳۴۳) [xxxvi] به نقل از (همتی، ۱۳۹۸: ۱۲))

برپایی عدالت اجتماعی

باکمال جرات و صراحت می‌توان گفت: در هیچ مکتبی مانند اسلام و هیچ زمامداری مانند امیرالمومنین علیه‌السلام پس از خاتم‌الانبیا پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکیدی در ضرورت و اجرای عدالت مشاهده نشده است. ((جعفری، ۱۳۷۳: ۳۹۶) [xxxvii] به نقل از (همتی، ۱۳۹۸: ۱۳)) تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و تبعیض بارزترین برنامه حکومت علی علیه‌السلام بود ((جردای، ۱۳۷۵: ۲۶۶) [xxxviii] به نقل از (همتی، ۱۳۹۸: ۱۴))

اقتصادی

رهبران اسلامی عهده‌دار تبیین خطوط کلی مال در نظام اسلامی را عهده دارند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج)

صنعتی شدن

اصل فرایند صنعتی [فعالیت صنعتی] در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج)

آبادانی شهرها

براساس بیان گران‌بهای حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام در عهد مالک اشتر: ٦ وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بغيرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ، وَأَهْلَكَ الْعِبَادَةَ «اما باید بیش از آنکه درباره جمع مالیات می‌اندیشی در فکر آبادی زمین

باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیاید، و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد.» (شیروانی، ۱۳۸۱: ۵۱۹) [xxxix] و اشاره چندین اثر مرور شده در پیشینه پژوهش به این قسمت از عهد جناب مالک اشتر، آبادانی کشور یکی از وظایف حکومت‌ها است.

ارتباط با دیگر حکومت‌ها

اموری چون دعوت، جهاد، نفی سبیل و ظلم‌ستیزی شکل دهنده قالب کلی رفتار خارجی است. (کمالی، ۱۳۹۶: ۸)

اهداف فرهنگی

حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام در تبلیغ و ترویج اندیشه‌های ناب دین مبین اسلام در مدت کوتاه حکومت خود به طرح چند امر مهم پرداخت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) معرفی جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در حفظ اسلام
- ۲) بیان معارف دین، احکام قرآن و سنت رسول خداصل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
- ۳) آشکار ساختن بدعت‌ها در حد توان و ظرفیت جامعه
- ۴) پرورش شاگردانی برجسته در رشته‌های مخالف و اعزام آنان به مناطق اسلامی
- ۵) تشویق به بیان و نگارش حدیث
- ۶) پاسخ‌گویی به پرسش‌های اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان
- ۷) تفسیر قرآن، تدوین علم نحو و تربیت مفسر. ((نادم، ۱۳۸۳) [xli] به نقل از (کمالی، ۱۳۹۶: ۱۱)).

امنیتی و نظامی

حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام با حفظ آمادگی نظامی، دادن آموزش‌های لازم رزمی، تقویت روحیه شهادت طلبی در مردم، دشمن‌شناسی و افشای ماهیت دشمن، بسیج عمومی مردم، کسب اطلاعات لازم با نفوذ در دشمن، دادن هشدارهای به موقع و به جا به نیروهای خودی، هشدار جدی به دشمن، نصیحت کردن دشمن، پاسخ دادن به شایعات، حفظ نظارت بر امور حکومت و ... بحران‌های سیاسی،

اجتماعی و نظامی را کنترل کرد. (دشتی، ۱۳۸۰، (ب): ۴۱) [xli] لذا این موارد دلالت بر توجه حکومت اسلامی به مسائل امنیتی و نظامی دارد.

جمع بندی

با توجه به مرور مقالات کار شده در حوزه اهداف و وظایف حکومت اسلامی و بررسی مجدد آیات و روایات اشاره شده در این مقالات می‌توان جمع‌بندی کرد که هدف غایی حکومت اسلامی، دستیابی به قرب الهی و نائل شدن انسان‌های آن جامعه به مقام خلیفه‌الله است. در این راستا آنچه که هدف میانی به حساب می‌آید، برقراری عدالت است که در سایه‌ی عدالت و اجرای کامل اسلام، هدف غایی حاصل خواهد شد. جهت دستیابی به هدف غایی و هدف‌های میانی از جمله عدالت و اجرای کامل اسلام، دولت وظیفه دارد در زمینه‌های اشاره شده در جدول زیر که شامل نیازهای مادی و معنوی می‌شود وارد شود.

جدول ۵ اهداف و وظایف دولت اسلامی

غایی	۱. توحید	غایی و بلند
	۲. انسان‌سازی و هدایت انسان به قرب الهی	مدت
کلان	۱. اجرای عدالت همه‌جانبه (اجتماعی، اقتصادی، قضائی و ...)	میانی
	۲. اقامه سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومین علیهم‌السلام	
	۳. اقامه حق و دفع باطل	
	۴. ستاندن داد مظلوم و مقابله با ظالم	
	۵. اجرای احکام الهی	
	۶. آشکار کردن حقیقت و نشانه‌های دین (برافراشتن نشانه‌های دین)	
خرد	۱. تامین نیازمندی‌های همگانی و گسترش رفاه عمومی	الف)
	۲. ارتباط بهینه با دیگر حکومت‌ها	اجتماعی
	۱. ترویج و توسعه اندیشه‌های ناب دینی، نصیحت کردن و خیرخواهی مردم، اهتمام به تبیین و تفسیر توحید و معارف قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام	ب) فرهنگی

۲. گسترش مرزهای دانش در میان مردم، تعلیم و تادیب مردم

۳. اصلاح مردم

ج) اقتصادی ۱. افزایش توان اقتصادی شهروندان

۲. آبادسازی و عمران کشور

۳. توسعه و ترویج تجارت، صنعت و زراعت

۴. توزیع غنائم (فیء)

۵. تقسیم بیت‌المال

د) سیاسی ۱. مدیریت بر مبنای قوانین الهی

۲. حاکمیت دادن شایستگان

ه) نظامی و ۱. تامین امنیت عمومی برای همه شهروندان

امنیتی ۲. کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آنها

۳. مدیریت بحران‌های اجتماعی-سیاسی

ی) وظایف ۱. قضاوت

قضائی ۲. برقراری/اجرای احکام اسلامی از جمله: حدود، قصاص‌ها، دیات و ...

(قوانین و مقررات)

در پایان پیشنهاد می‌شود تحقیقات دیگری انجام گیرد تا نقش دولت، چگونگی اجرای این وظایف و دستیابی به اهداف مشخص گردد.

پیوست‌ها

جهت استفاده پژوهشگران از آیات و روایاتی که در مقالات بررسی شده به آن‌ها اشاره شده است، این آیات و روایات در قسمت پیوست آورده شده است. (با توجه به تکرار آیات و روایات در مقالات مختلف، سعی شد به صورت دقیق آیات و روایات مورد بررسی قرار بگیرند و موارد تکراری حذف شود)

آیات:

۱. آیه: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۵۶)^۱
۲. آیه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۹۰)^۲
۳. آیه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره مبارکه ذاریات، آیه شریفه ۵۶)^۳
۴. آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَىٰ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۱۳)^۴
۵. آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۸)^۵



^۱ توحید

^۲ عدالت

^۳ عبودیت

^۴ مسئله رفع اختلاف میان مردم، هدف بعثت انبیا ذکر شده است. اساساً رفع اختلافات، امری ضروری برای برقراری نظم در جامعه بشری است و از آنجا که موعظه و نصیحت صرف نمی‌تواند این مشکلات اجتماعی را برطرف کند، انبیای الهی موظف بودند تا با تشکیل حکومت و اعمال حاکمیت اجتماعی و سیاسی، زمینه رفع اختلافات میان انسانها را بر اساس موازین صحیح فراهم کنند. (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)

^۵ از منظر اسلام، عدالت اجتماعی باید در حق همه محقق گردد و رفتار عادلانه تنها متوجه افراد معدودی نمی‌شود، حتی

حکومت اسلامی موظف است با دشمن نیز رفتار عادلانه در پیش گیرد. (شبان‌نیا، ۱۳۸۹)

۶. آیه: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (سوره مبارکه حدید، آیه شریفه ۲۵)^۱

۷. آیه: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (سوره مبارکه جمعه، آیه شریفه ۲)^۲

مراجع

کتاب‌ها و مقاله‌ها:

قرآن کریم.

سید رضی، نهج البلاغه.

^۱ همتی، عصمت (۱۳۹۸)، ضرورت، خاستگاه و اهداف حکومت در نهج البلاغه، پژوهش نامه علوی، شماره ۲ (پیاپی ۲۰) پاییز و زمستان، صص ۱۲۷-۱۴۶.

ⁱⁱ کمالی، علیرضا (۱۳۹۶)، بررسی اهداف حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه، پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۱۶، شماره ۵۴ پاییز، صص ۱۱۳-۱۳۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ در این آیه هدف عمومی همه پیام‌آوران و زمامداران حکومت اسلامی در طول تاریخ، همانا قسط و عدل جامعه شمرده شد، لیکن همانطوری که قبلا اشاره شد رعایت حقوق فرد و جامعه و تامین همه مظاهر تمدن از فروع نورانی شدن افراد آن جامعه خواهد بود؛ زیرا خلیفه‌الله که انسان نورانی است، حقا حقوق دیگران را رعایت و از آن‌ها حمایت می‌نماید؛ پس آنچه در این آیه به عنوان هدف حکومت رهبران الهی یاد شد، یک هدف متوسط است؛ نه هدف نهایی و هدف نهایی، همان خلیفه‌الله شدن انسان کامل است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج)

^۲ رشد فرهنگی؛ زمامدار حکومت اسلامی عهده‌دار تامین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج)

- iii فوزی، یحیی؛ کریمی بیرانوند، مسعود (۱۳۹۰)، اهداف حکومت اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۵، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- iv طهماسبی، رضا (۱۳۹۷)، درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- v نیلی پورطباطبایی، سیداکبر؛ خزایی، سعید؛ فتاحی اردکانی، حبیب‌الله (۱۳۹۹)، شناخت وظایف حاکمیتی دولت و اهمیت آن در تنظیم برنامه‌های راهبردی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها (بررسی چالش‌ها، راهکارها، تلاش‌های صورت گرفته در این خصوص)، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵ بهار، صص ۴۱-۵۴.
- vi خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۵)، تغییر دیدگاه‌ها در اقتصاد توسعه (ترجمه) (اثر تری جان (Toye, John)، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، شماره ۱. تابستان، صص ۳۸-۵۵.
- vii میدری، احمد (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر حکمرانی خوب، رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲ پاییز، صص ۲۸۷-۲۶۱.
- viii Dudley, Seers; Meier, Gerald M (۱۳۶۸)، پیشگامان توسعه. (س. هدایتی، & ع. یاسری، Trans). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ix جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۱)، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۳، شماره ۶ پاییز، صص ۱-۱۵.
- x میرآقایی، سیدجلال (۱۳۷۶)، اهداف و سیاستهای کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تیر، صص ۱۶۹-۲۳۰.
- xi سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰)، اهداف و آرمان‌های حکومت، قبسات، شماره ۲۰ و ۲۱ تابستان و پاییز، صص ۴۸-۵۶.
- xii احمدی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، اهداف حکومت از منظر قرآن، بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)، شماره ۴۶ تابستان، صص ۱۵۶-۱۷۳.
- xiii اشراقی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی، رواق اندیشه، شماره ۴۵ شهریور، صص ۱۱۳-۹۲.
- xiv ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۷)، اهداف و اصول حاکم بر حکومت اسلامی از منظر حاج آقا نور الله اصفهانی و امام خمینی قدس سره، معرفت، شماره ۱۲۴ فروردین، صص ۳۷-۵۴.

- xv شاهدهی، غفار (۱۳۸۷)، جامع نگری در اهداف حکومت دینی، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۱۱ پاییز، صص ۱۴۹-۱۷۴.
- xvi عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۸۸)، اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام، معرفت سیاسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۸.
- xvii کربلایی پازوکی، علی؛ لطفی، مهرعلی (۱۳۸۹)، اهداف حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۲ بهار و تابستان، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- xviii شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۹)، حقوق بشر در پرتو اهداف حکومت اسلامی، معرفت سیاسی، دوره ۲، شماره ۲ پاییز و زمستان، صص ۵-۳۲.
- xix نیازی، احمدعلی (۱۳۸۹)، اهداف و وظایف حکومت دینی، معرفت سیاسی، شماره ۳ بهار و تابستان، صص ۱۴۹-۱۷۹.
- xx فوزی، یحیی؛ کریمی بیرانوند، مسعود (۱۳۸۹)، تفاوت شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی، علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، شماره ۵۱ پاییز، صص ۷-۴۰.
- xxi جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی؛ درآمدی بر دولت اسلامی، پاسدار اسلام، شماره ۸-۱۰ شهریور، صص ۴۵-۴۷.
- xxii موسوی، سیدصمد (۱۳۹۰)، اهداف حکومت در نگاه امام علی علیه‌السلام، مبلغان مرداد، شماره ۱۴۳ شهریور، صص ۱۳-۲۸.
- xxiii حمزه‌لو، علی (۱۳۹۱)، اهداف و راهبردهای دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، کیهان فرهنگی، شماره ۳۰۶-۳۰۷ خرداد و تیر، صص ۱۸-۲۱.
- xxiv شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ زرین‌نعل، زینب (۱۳۹۴)، رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق اهداف حکومت اسلامی، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۳، شماره ۱۰ تابستان، صص ۱-۲۲.
- xxv چیت‌سازیان، علی‌رضا؛ محمدی، کرامت (۱۳۹۸)، فرامطالعه‌ای از پژوهش‌های حوزه‌ی مدیریت اسلامی؛ مورد مطالعه پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، دوره ۱۳، شماره ۲۶، صص ۱۹-۴۸.
- xxvi جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۹) ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، قم: اسراء.
- xxvii اسدی، اکبر (۱۳۹۲)، نردبان آسمان: مجموعه‌ای از درس‌های اخلاق فقیه و ارسته و عارف فرزانه، حضرت آیه‌الله بهاء‌الدینی قدس سره، قم: پارسایان.

xxviii معینی، مرضیه (۱۳۹۲)، وظیفه حکومت اسلامی، مطالعات قرآنی نامه جامعه، شماره ۱۰۶ مهر و آبان، صص ۶۳.

xxix یعقوب، احمدحسین (۱۳۷۴)، النظام السياسی فی الاسلام، قم: انصاریان.

xxx خراسانی، وحید (۱۳۹۰)، منهاج الصالحین (جلد ۱).

xxxi غضنفری، علی (۱۳۷۹)، حکومت اسلامی در نهج البلاغه، قم: طاووس بهشت.

xxxii امام خمینی رحمه الله علیه، سیدروح الله (۱۳۹۱)، ولایت فقیه: حکومت اسلامی (چاپ ۲۶)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف.

xxxiii موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف، (۱۳۸۴)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی قدس سره الشریف، تهران: موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی قدس سره الشریف.

xxxiv صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق)، المدرسة القرآنیة. قم: شریعت.

xxxv صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۱)، الهیات در نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.

xxxvi عبدالمقصود، عبدالفتاح؛ مترجم: جعفری، سیدمحمد مهدی (بی تا)، الامام علی (جلد ۲)، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

xxxvii جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران: بنیاد نهج البلاغه.

xxxviii جرداق، جرج؛ مترجم: خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۵)، امام علی علیه السلام صوت عدالت انسانی (جلد ۵)، تهران: نشر خرم.

xxxix شیروانی، علی (۱۳۸۱)، ترجمه نهج البلاغه، قم: نسیم حیات.

xl نادم، محمدحسن (۱۳۸۳)، خاستگاه فرهنگی نهج البلاغه، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.

xli دشتی، محمد (۱۳۸۰)، مدیریت بحران در حکومت امام علی علیه السلام، دانش انتظامی، شماره ۱، صص